نقد و بررسی مقاتل موجود



علی دوانی


بسم الله الرحمن الرحیم

نقد و بررسی مقاتل موجود

نویسنده:

علی دوانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نقد و بررسی مقاتل موجود

مشخصات کتاب

نویسنده : علی دوانی

ناشر : علی دوانی

نقد و بررسی مقاتل شیعه

متن حاضر سخنرانی دانشمند ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین علی دوانی است که توسط معظم له بازنویسی و مستند گردیده است.با درود به روح پرفتوح بینانگذار جمهوری اسلامی ایران و ابر مرد تاریخ معاصر، امام خمینی رضوان الله علیه و با سلام به رهبر انقلاب، ولی امر مسلمین حضرت آیهالله خامنه ای، توفیقی برای بنده است که در این سمینار، که جای آن خالی بود، شرکت کرده، به نوبه خود درباره ی «نقد و بررسی مقاتل موجود» مطالبی را عرض کنم.پهنه سخن در این باره بسیار گسترده است. برای اینکه ما بتوانیم تمام مقاتل را بررسی و نقد کنیم، مسلما وقت بیشتری لازم است. در اینجا به اختصار می گویم باید دید انحرافات در بیان قیام امام حسین علیه السلام چگونه روی داده و از کجا آغاز شده است.به نظر بنده این تحریفات و انحرافات بعضی از راه مقاتل موجود، یعنی آنها که تاکنون چاپ و منتشر شده و در دسترس قرار گرفته است و بعضی به وسیله ی روضه خوانها و مداحان ساده لوح، و بعضی هم توسط دشمنان دانا و دوستان نادان، که آنها را ساخته اند، در کتابها آمده یا بر سر زبانها افتاده است.در اینجا به بررسی مقاتل موجود عربی و فارسی از مؤلفان شیعه که درباره ی وقایع کربلا نوشته اند، پرداخته، محتوای هر کدام را بازگو کرده به ارزش آنها از لحاظ صحت و سقم اشاره می کنیم تا اگر در آنها غث و سمین باشد، خوانندگان از آن بی اطلاع نباشند.به تناسب حکم و موضوع، مقاتل مشهور و معمول شیعه را بررسی می کنیم. مقاتل شیعه، که مورد بحث ما قرار می گیرد، ۱۶ مقتل

است و از قدیمترین زمانها تا عصر حاضر را شامل می شود که به شرح زیر است:

مقتل ابومخنف

مقتل ابومخنف قدیمیترین مقتلی است که به دست آمده و مطالب آن نخست در تاریخ طبری و سپس در مآخذ بعدی نقل شده است. ابومخنف از اصحاب امام جعفرصادق علیه السلام بوده، و در کوفه می زیسته و از علمای بزرگ تاریخ به شمار می رفته است.محدث متتبع بزرگوار، حاج شیخ عباس قمی درباره مقتل او می گوید: «او دارای کتابهای بسیاری در تاریخ و سرگذشت و از جمله «کتاب مقتل الحسین علیه السلام» است. فقیر گوید که مقتل او اگر در دست بود در نهایت اعتبار بود همان گونه که از نقل بزرگان از علمای قدیم از آن کتاب معلوم می شود، لکن دریغا که اصل آن مقتل مانند کلبی [۱] و مدائنی [۲] و امثال آنها با گذشت زمان مفقود شده و به دست ما نرسیده، و اما این مقتل که در دست است و در آخر جلد دهم بحار [۳] نیز به چاپ رسیده و به ابومخنف نسبت می دهند، مستند نیست.ابوجعفر طبری در تاریخ خود در باب مقتل امام حسین علیه السلام از مقتل ابومخنف بسیار نقل کرده است. هر کس آن مطالب را با مقتل معروف منتسب به ابی مخنف مطابقه کند، در می یابد که ابدا ربطی و نسبتی با هم ندارند؛ پس این کتاب ابی مخنف معروف اعتبار ندارد و بر مطالب آن هیچ اعتماد نیست. و الله العالم. [۴] محدث قمی که خود در شناخت مقاتل، استاد مسلم بوده است، در کتاب دیگرش «الکنی و الالقاب» نیز در شرح حال ابومخنف از جمله می نویسد: «وی در سال ۱۵۷ ه ق.وفات یافت؛ از حضرت

صادق (ع) روایت کرده و هشام کلبی هم از او روایت نموده است.جدش مخنف بن سلیم در جنگ جمل (سال ۳۶ ه) از یاران علی (ع) بود و پرچم قبیله ازد را در دست داشت. ابومخنف از بزرگان مورخان شیعه است و با همه ی اشتهارش به تشیع، علمای اهل تسنن در نقل از وی بر او اعتماد کرده اند؛ مانند طبری و ابن اثیر و دیگران.اما مقتلی که در دسترس و منسوب به اوست از وی نیست، بلکه از هیچ یک از مورخان دیگر هم نمی تواند باشد! هر کس بخواهد این را تصدیق کند، باید آنچه را در این مقتل است با آنچه طبری و غیر او (از مورخان، پیش از چاپ این مقتل) از آن نقل کرده اند مقابله کند تا حقیقت برای او معلوم شود. من این مطلب را در نفس المهموم» در شناختن «طرماح بن عدی» بیان داشته ام.» [۵] .همچنین محدث قمی (ره) در آخر فصل دوازدهم «نفس المهموم» آنجا که از «طرماح» نام می برد و اختلاف نقلها را در پیوستن او به امام حسین علیه السلام می آورد، پس از نقل روایت طبری می نویسد: «مؤلف گوید از این روایت که ابوجعفر طبری از ابومخنف نقل کرده است، معلوم می شود که طرماح بن عدی در واقعه کربلا در میان شهدا نبوده است، بلکه چون او خبر شهادت امام علیه السلام را شنید به جای خود بازگشت، و در این مقتل معروف که به ابومخنف منسوب داشته اند، از قول طرماح نقل می کند که گفت: در میان کشتگان جراحاتی برداشته بودم، و اگر سوگند بخورم راست گفته ام که خواب نبودم دیدم بیست سوار آمدند و...».مرحوم حاج شیخ عباس این محدث

مورخ امین در کتاب دیگرش به فارسی یعنی «تحفه الاحباب» نیز ذیل نامه ابومخنف، یعنی «لوط بن یحیی بن سعید الازدی الغامدی» راجع به مقتل اصل و مجعول او سخن گفته است و می نویسد: «و بالجمله این همان ابومخنف صاحب مقتل معروف است و خود او از بزرگان محدثین و مورد اعتماد ارباب سیر و تواریخ است، و اصل مقتل او در نهایت اعتبار بوده، همان گونه که از نقل بزرگان از علمای قدیم از آن و از سایر مؤلفاتش معلوم می گردد، لکن افسوس و آه که اصل مقتل بی عیب او در دست نیست و این مقتل موجود منسوب به او مشتمل است بر بعضی مطالب منکره که شاید از دس [۶] مخالفان باشد، به این جهت از درجه اعتبار ساقط است و بر مطالب او هیچ اعتمادی نیست» [۷] به طور خلاصه مقتلی که امروز به نام ابومخنف در دسترس است و روضه خوانهای عرب از آن مطالبی نقل می کنند، مجعول است و به ابومخنف منسوب داشته اند. بسیاری از مطالب آن مجعول و برخلاف واقع است.مقتل ابومخنف در اختیار ابوجعفر محمد بن جریر طبری متوفای سال ۳۱۰ هجری، مورخ نامی، صاحب تاریخ طبری بوده، و او مطلب زیادی از آن در ماجرای کربلا نقل کرده است. آنچه او از ابومخنف نقل کرده چون از نسخه اصل بوده معتبر است و آنچه از این مقتل موجود نقل می شود بی اعتبار است.محدث قمی هم در «نفس المهموم» هر جا مطلبی از ابومخنف نقل می کند به نقل از تاریخ طبری می آورد، چون خود آن را ندیده است سند را به طبری می رساند.استاد فقید علامه تهرانی می نویسد «مقتل ابومخنف نخست در

بمبئی به صورت چاپ سنگی به طبع رسیده بود، سپس در سال ۱۲۸۷ به پیوست جلد دهم بحارالانوار، هم چاپ شد. اول آن چنین است: «حدثنا ابو المنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی...». نسبت این مقتل به ابومخنف مشهور است، ولی ظاهرا بعضی مطالب آن مجعول است. استاد محدث نوری در «لؤلؤ و مرجان درباره ی آن تحقیقاتی به عمل آورده است». [۸] .

امالی شیخ صدوق

امالی شیخ صدوق که به آن «مجالس» هم می گویند از منابع پیشین مقاتل است. امالی یا مجالس شیخ صدوق، یعنی محمد بن علی بن بابویه قمی متوفای سال ۳۸۱ ه ق. شرح و بیان احادیث معتبری است که صدوق در نیشابور و ری و دیگر نقاط در فواصل زمانی طی ۹۷ مجلس بر علما و فضلای شیعه املا نموده است. شیخ صدوق به نقل نجاشی حدود سیصد کتاب تألیف نموده که از جمله امالی اوست. شیخ در امالی خود آنجا که از وقایع کربلا- یاد نموده و مقاتل شهدای طف را شرح داده، مطالبی را نقل کرده که همانها از مآخذ مهم مقاتل بعدی واقع، و بدون بحث و فحص بیشتر نقل شده است.از آنجا که شیخ صدوق، رئیس محدثان شیعه بوده و نقل او مستند و با تحقیق کامل در منابع و مآخذ انجام گرفته است، نقل او حتما اگر بدون سند هم باشد، نزد علمای بزرگ ما معتبر و مستند است.

ارشاد شیخ مفید

شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان بغدادی، شاگرد شیخ صدوق، از مفاخر فقها و متکلمان و علمای نامی شیعه امامیه است. شیخ مفید، کتابهای ارزنده ای در علوم و فنون مختلف تالیف و تصنیف کرده است.کتاب «الارشاد» او در تاریخ امامان معصوم نوشته شده و از زمان تالیف تاکنون از مآخذ و منابع معتبر شیعه امامیه در شناخت ائمه اطهار (ع) و زندگانی جمالی آن ذوات مقدس است.شیخ مفید در شرح حال حضرت امام حسین علیه السلام بسط مقال داده و به تفصیل درباره ی وقایع عاشورا سخن گفته است. مقاتلی که شیخ مفید راجع به شهادت هر یک از امامان در این کتاب آورده

از اعتماد و اعتبار قابل توجهی برخوردار است.

روضه الواعظین

روضه الواعظین کتابی معتبر از تالیفات شیخ بزرگوار ابو علی محمد بن حسن بن علی نیشابوری معروف به فتال نیشابوری است. فتال مؤلف روضه الواعظین از استادان ابن شهر آشوب مازندرانی متوفای سال ۵۸۸ ه ق. و از علمای اواسط سده ششم هجری است.از آنجا که مطالب کتاب روضه الواعظین نوشته دانشمندی بزرگ و محققی از علمای متقن ماست، لذا سند و مأخذ علمای بعدی واقع شده و آنان، این کتاب را از مدارک معتبر در نقل مقتل دانسته اند.

احتجاج طبرسی

کتاب احتجاج طبرسی نیز از مآخذ معتبر در نقل مقاتل است. مؤلف آن ابومنصور احمد بن ابی طالب طبرسی از استادان ابن شهر آشوب مازندرانی و متوفای سال ۵۷۰ هجری است.کتاب احتجاج، چنان که از نامش پیداست، درباره ی استدلالهای الزام آور ائمه اطهار با مخالفان است، ولی هر جا از مقاتل آنها یاد کرده مأخذ علمای بعدی در کتابهای مقاتل است.نظر به اهمیت و مؤلف بزرگوار آن، مقاتل احتجاج نیز از اعتبار خاصی برخوردار است.

لهوف

لهف یا ملهوف فی قتلی الطفوف کتابی کوچک و مختصر از سید رضی الدین علی بن طاووس حلی متوفای سال ۶۶۴ از بزرگان علمای پاکسرشت ماست.رضی الدین علی بن طاووس این کتاب را گویا در سالهای جوانی نوشته، در عین حال از مآخذ مهم و معتبر مقاتل است.ابن طاووس در آغاز لهوف می گوید: اگر نه این بود که واقعه ی عاشورا دلها را می خراشد و اشکها را جاری می کند، می گفتم که مردم به جای لباس سیاه، در این روز لباس سفید بپوشند زیرا روزی که امام حسین (ع) در آن به یاری دین اسلام به پا خاست، باید جشن گرفت نه اینکه نشست و گریه کرد.گویا به مرور ایام در این کتاب دست برده و مطالبی نامطلوب و غیرمعتبر در آن آورده اند که از رضی الدین علی نیست. البته این احتمال هم هست که چون او کتاب را در اوائل جوانی نوشته آن تسلط علمی سالهای بعدی را در تحقیق اخبار و تاریخ و احادیث نداشته باشد و کتاب به همان گونه مانده است.

مثیرالاحزان (برانگیزنده غمها)

این کتاب از کتابهای مشهور مقاتل است. کتاب تألیف شیخ نجم الدین جعفر بن محمد بن نما حلی استاد علامه حلی، و متوفی به سال ۶۴۵ ه ق. است. نظر به اینکه مؤلف از فقها و علمای بزرگ ماست، مقتل او نیز از اعتبار خاصی برخوردار است.کتاب به زبان عربی است که زبان مادری مؤلف بوده، و نام کامل آن «مثیرالاحزان و منیر سبل الاشجان» است؛ یعنی برانگیزنده غمها و روشن کننده ی راه های اندوه ها.کتاب مثیرالاحزان، که از مآخذ علمای مقاتل بوده، نخست به پیوست جلد دهم بحارالانوار، و بعدها چند بار مستقلا چاپ شده است.

اخذ الثار فی احوال المختار

این کتاب نیز تألیف نجم الدین جعفر بن نما حلی مزبور است. معنی نام کتاب این است: «گرفتن انتقام خون امام حسین در احوال مختار». مؤلف در این کتاب قیام مختار بن ابو عبیده ثقفی و گرفتن انتقام خون امام حسین (ع) و شهدای کربلا را شرح داده است.نام دیگر کتاب «قره العین فی اخذ ثار الحسین (ع)» است، یعنی روشنی چشم در گرفتن انتقام خون امام حسین (ع)».این کتاب نیز از مآخذ به شمار می رود و علمای بعدی از آن سود جسته اند. بعضی از مؤلفان ندانسته این دو کتاب را تالیف پدر نجم الدین ابن نما، یعنی نجیب الدین محمد بن نما فقیه نامی استاد محقق حلی دانسته اند. علت اشتباه هم این بوده که نام پدر محمد بن نما نیز نجم الدین جعفر بوده است.

کامل بهایی

اشاره

این کتاب را عمادالدین حسن بن علی بن محمد طبری مشهور به «عمادالدین طبری» از علمای بزرگ شیعه در سده ی هفتم هجری به فارسی نوشته است.مؤلف «روضات الجنات» می نویسد: «عمادالدین طبری در بعضی از مصنفات خود به قسمتی از طرائف احوال و لطائف اخبار خود از جمله قضیه ی مناظره اش با اهل بروجرد در منزه دانستن خداوند متعال از تشبه به مخلوق اشاره نموده است؛ از جمله اینکه وی از شهر قم به امر وزیر بهاءالدین صاحبدیوان شمس الدین محمد جوینی مشهور به «صاحبدیوان» (حکمران اصفهان بوده) به اصفهان نقل مکان کرد و هفت ماه در آن شهر ماند و مردم بسیاری از اصفهان و شیراز و ابرکوه و بلاد آذربایجان بر وی گرد آمدند و انواع معارف ربانی را بر وی خواندند و سادات و بزرگان و وزرا از وجود او بهره شدند». [۹]

از اینجا معلوم می شود عمادالدین در اواسط سده ی هفتم هجری می زیسته و این معنی برای شناخت سابقه حوزه قم نیز اهمیت دارد.محدث قمی در «فوائد الرضویه» از وی بدین گونه نام برده است: «الحسن بن علی بن محمد بن الحسن، عمادالدین طبری، شیخ عالم ماهر خبیر، متدرب [۱۰] تحریر، متکلم جلیل، محدث نبیل، فاضل علامه، معاصر خواجه - نصیرالدین طوسی - و علامه ی حلی - صاحب کتابهای شریف است. در اصول مذهب و تشیید قواعد دین و فقه و حدیث و غیره مانند... سپس ۱۴ کتاب او را نام می برد...» و می افزاید که بهاءالدین صاحب دیوان به وی عنایتی تمام داشت به همین جهت او کتابهایی را به نام وی تالیف کرده که از جمله «اربعین بهایی» در برتری امیرالمؤمنین علیه السلام، و دیگر «کامل بهایی» در سقیفه، و در دیباچه کامل نوشته است که من چون «مناقب الطاهرین» و اخوات [۱۱] آن را تصنیف نمودم، و آن جمله تولی بود، لازم بود در قسم تبری هم شروع کردن پس کامل تألیف کرد. هر دو کتاب مثل سیف و رمحی [۱۲] بر مخالفان، و زیاده از سی هزار بیت است. [۱۳] .«کامل» در بمبئی به طبع رسیده اما بسیار کمیاب است. من چند سال قبل [۱۴] که عبورم به آن شهر افتاد یک نسخه از آن را به دست آوردم، لکن افسوس که تصحیح نشده و بسیار سقیم است، به گونه ای که برای غیرمطلع خبیر، استفاده از آن عسیر (دشوار) است؛ اما آن کتاب پرفایده است و در سنه ی ۶۷۵ تمام شده، و قریب به دوازده سال همت شیخ مصروف بر جمع آن بوده، اگر چه

در اثنای آن چند کتاب دیگر نیز تألیف کرده است.از وضع آن کتاب معلوم می شود که نسخه های اصول و کتابهای اصحاب پیشین نزد او موجود بوده، مانند کتاب «فعلت فلاتم» که در مثالب [۱۵] است و از مصنفات ابوجیش مظفر بن محمد خراسانی است که یکی از متکلمان شیعه و عارف به اخبار و از شاگردان ابوسهل نوبختی است.دیگر کتاب «حاویه» است که در مثالب معاویه است، و مؤلف آن قاسم بن محمد بن احمد مامونی سنی است... و بالجمله در «کامل» از «حاویه مامونی» بسیار نقل می کند، از جمله آن که: «یزید خمر خورد و بر سر امام حسین (ع) ریخت. زن یزید آب و گلاب برگرفت و سر امام را پاک بشست. [۱۶] آن شب فاطمه زهرا علیهاالسلام را به خواب دید که از او عذر می خواست. پس یزید گفت تا سر حسین (ع) را و اهل بیت و اصحاب او را به دروازه های شهر بردند و بیاویختند.همچنین در «معاویه» (ص ۳۸۵ کامل بهایی چاپ اول) آمده که زنان خاندان نبوت در حالت اسیری، حال مردانی را که در کربلا شهید شده بودند بر پسران و دختران ایشان پوشیده می داشتند و هر کودکی را وعده می دادند که پدر تو به سفر رفته است و باز می آید تا اینکه ایشان را به خانه ی یزید آوردند. دخترکی بود چهارساله، شبی از خواب بیدار شد و گفت: پدر من حسین کجاست؟ این ساعت او را خواب دیدم سخت پریشان، زنان و کودکان سخت در گریه افتادند و فغان از ایشان برخاست.یزید خفته حال گفت که بروند و سر پدر او را بیاورند و در کنار او

نهند. آن نابکاران سر آن حضرت را بیاوردند و در کنار آن دختر چهار ساله نهادند، پرسید این چیست؟ آنان گفتند سر پدر تو است. آن دختر بترسید و فریاد برآورد و رنجور شد و در آن چند روز جان بحق تسلیم کرد.همچنین از «حاویه» (ص ۳۸۱) در باب مرگ یزید نقل کرده است که روزی بر بام، مست رقص می کرد و از بام بیفتاد و مست به دوزخ رسید.نیز گفته است که جمعی گویند که به صید رفت با لشکر. آهوی پیش او آمد، به عقب آن آهو رفت. حق تعالی خطاب به زمین کرد تا او را فرو برد. نخسفنا به و بداره الارض [۱۷] .گویند که چون خلق برص [۱۸] او را معلوم کردند بر سر آن ملعون غوغا نمودند. او گریخت تا به چاه نجاست فرو شد. مردمان سر آن چاه را بگرفتند، و آن چاه در دمشق مشهور است.فوائد بسیاری از کتاب «کامل بهایی» به دست می آید، و من دوست می دارم که به این مقدار اکتفا ننمایم، و به بعض فوائد دیگر اشاره نمایم.در باب شهادت امام حسین علیه السلام (ص ۴۵۴) مکرر زهر دادن جعده [۱۹] به امام حسن (ع) را بیان کرده است: یک دفعه در انگبین سفید، و آن جناب را درد زهار [۲۰] پدید آمد و قی بسیار کرد و خود را به شیر جوشانیده مداوا نمود.دفعه دیگر زهر در شربت آن جناب نمودند، آن حضرت به خاک روضه ی رسول الله صلی الله علیه و آله استشفا نمود.دفعه دیگر جعده در رطب زهر کرد و به آن حضرت خورانید. آن جناب به جهت تغییر آب و هوا به

موصل رفت. معاویه صوفیی کور را چند دینار بداد و با عصای سنان [۲۱] زهرآلود آن یعنی به خدمت آن حضرت آمد، و به بهانه ی آنکه دست آن جناب را ببوسد، سنان به پشت پای او فرو برد، و چندان که قوت داشت زور کرد. مردم خواستند که صوفی را بکشند. آن حضرت نگذاشت و از آنجا بیرون رفت و قصد دمشق کرد، عبدالله بن عباس گفت در راه گردن او بزنند.همچنین نقل کرده کیفیت داخل کردن جعده، سوده ی الماس را در کوزه ی جناب امام حسن علیه السلام، و شهادت آن جناب را با آن، صلوات الله علیه.همچنین در فصل ۶۰، بعد از شهادت امام حسن علیه السلام نقل کرده کیفیت کشتن معاویه عایشه را. برای اینکه: «چون معاویه به مکه سفر کرد و خواست برای یزید از مردم بیعت بگیرد، عایشه برای او تهدید فرستاد که برادرم محمد بن ابی بکر را کشتی و برای یزید بیعت می ستانی؟معاویه چاهی بکند و به آهک پر کرد و فرشی گرانمایه آنجا بگسترد و کرسی بر سر آن نهاد و عایشه را پیام فرستاد که توقع است ام المؤمنین ما را به تشریف خود مشرف سازد، و وقت نماز خفتن او را بخواند. آن زن بیرون آمد با غلامی هندی و بر خری مصری سوار شد. معاویه او را اعزاز کرد و بدان کرسی اشارت نمود که بنشیند. چون آنجا بنشست، فرو شد به چاه، در حال معاویه گفت تا غلام و خر را بکشتند و هم در آن چاه انداختند، و به خاک انباشتند. مردم در اختلاف افتادند. برخی گفتند عایشه به مدینه رفت. بعضی گفتند به یمن رفت.

امام حسین علیه السلام این حال را می دانست و جماعت خاصان معاویعه، و امام حسین علیه السلام این حال را می دانست و جماعت خاصان معاویه، و امام حسین علیه السلام ترکه او را به وارثان او داد.همچنین نقل کرده (ص ۴۱۸) که امیرالمؤمنین (ع) که به جنگ صفین می رفت چهل من آرد جوین با خود داشت، و چون باز آمد هنوز بسیاری باقی بود.همچنین از «حاویه مامونی» نقل کرده که چون خبر فوت علی علیه السلام به معاویه بردند، تکیه کرده بود، راست بنشست، و او را جاریه ای [۲۲] بود مؤمن و او آوازه خوان بود، گفت: یا جاریه! غنی، الیوم قره عینی» ای کنیز سرودی بگوی که امروز چشم من روشن شد. آن زن گفت امروز چه خبر خوش آوردند؟ معاویه گفت: یقولون قتل علی بن ابیطالب». می گویند که علی بن ابیطالب کشته شد. جاریه گفت بعد از این هرگز غنا نگویم. بگفت تا او را به تازیانه بسیار زدند. پس گفت کفوا عنی دست از من باز دارید. پس آن زن اشعاری سرود:[۸ بیت شعر عربی است به این مضمون: به معاویه بگویید چشمهای بدگویان[روشن مباد. آیا در ماه رمضان ما را مصیبت زده کردید به قتل بهترین مردم عالم؟ کسی را کشتید که از همه ی مردم روی زمین بهتر و گرامی تر بود. نه به خدا من علی و احوال نماز او را فراموش نمی کنم.ای معاویه! فخر مکن، زیرا بقیه ی خلفای الهی در میان ماست. قریش هم می داند که تو از نظر حسب و دین از همه ی آنها بدتر هستی[عمودی پیش معاویه بود برداشت و بر سر آن زن مؤمنه زد تا شهید شد (رحمه الله

علیها).همچنین در باب شهادت امام حسین (ع) و اسیری اهل بیت آن حضرت گفته: «و ملاعین که سر حسین علیه السلام را از کوفه بیرون آوردند از قبائل عرب می ترسیدند که مبادا غوغا کنند و از ایشان باز ستانند. پس راهی که به عراق است ترک کردند و از بیراهه می رفتند. چون نزدیک قبیله ای رسیدندی علوفه طلب کردندی و گفتندی که سرهای خارجی چند داریم. بدین صفت می رفتند تا به بعلبک رسیدند.قاسم بن ربیع که والی آنجا بود گفت شهر را آیین بستند و با چند هزار دف و نای و چنگ و طبل سر حسین علیه السلام به شهر بردند. چون مردم را معلوم شد که سر حسین علیه السلام است یک نیمه ی شهر خروج کردند و اکثر آیینها بسوختند و چند روز فتنه ها آمد. ملاعین که با سر حسین علیه السلام بودند، پنهان از آنجا بیرون رفتند. در «مرزین» رسیدند، و آن اول شهری است از شهرهای شام. نصر بن عتبه لعین، از جانب یزید حاکم آنجا بود، شادیها کرد و شهر را آذین بست و همه شب به رقص مشغول بودند. ابری و برقی پیدا شد و آیینها را جمله بسوخت - عمرسعد و شمر گفتند این قوم شوم هستند.از آنجا به «میا فارقین» رسیدند و رؤسای شهر با هم خصومت کردند و هر یک می گفتند که این سر را از دروازه ی من در آورند که هر یکی آیینها بسته بودند. میان ایشان جنگ شد و چند هزار خلق کشته شدند.سگان کوفه ده روز در شهر بماندند و از آنجا به ایذار آمدند به «نصیبین». منصور ابن الیاس گفت زیاده از هزار آیین بستند؛ یعنی که

سر حسین علیه السلام را داشت. خواست که به شهر رود، اسب او فرمان نبرد. جند اسب بیاوردند فائده نبود. ناگاه سر حسین علیهماالسلام از نیزه بیفتاد. ابراهیم موصلی آنجا بود، سر را نیک احتیاط کرد.دانست که سر حسین علیه السلام است، خلق را ملامت بسیار کرد، و شامیان او را شهید کردند. سر را بیرون شهر بداشتند و چندان نثارها جهت ملاعین کوفه کردند که شرح آن ممکن نیست.روز سیم گردی و غباری برآمد و جهان تاریک شد، خلق بدگمان شدند و گفتند اگر از اینجا نروید شما را بکشیم. ملاعین از آنجا تا شهر «شبدیز» رفتند. شبدیزیان عهد کردند که به ایشان علوفه ندهند و احترام نکنند و اگر ضروریت شود قتال کنند. کوفیان چون این حال بدانستند از آنجا نقل کردند و شبدیزیان در عقب ایشان افتادند، لعنت می کردند تا به کنار فرات رسیدند، و از آنجا ده به ده می رفتند تا به چهار فرسخی از دمشق رسیدند. به هر ده از آنجا تا به شهر نثار بر ایشان می کردند، و بر در شهر سه روز ایشان را باز گرفتند تا شهر را بیارایند و هر حلی و زیوری و زینتی که در آن بود به آیینها بستند، به صفتی که کسی چنان ندیده بود. قریب پانصد هزار مرد و زن با دفها و امیران ایشان با طبلها و کوسها و بوقها و دهلها بیرون آمدند، و چند هزار مردان و جوانان و زنان، رقص کنان و سرمه در چشم کشیده و لباسها پوشیده، روز چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول به شهر رفتند، از کثرت خلق گویی که رستخیز بود.چون آفتاب برآمد ملاعین، سرها به شهر در آوردند،

از کثرت خلق به وقت زوال به در خانه ی یزید لعنه الله رسیدند. یزید تخت مرصع نهاده بود، خانه و ایوان آراسته بود و کرسیهای زرین و سیمین چپ و راست نهاده، حجاب بیرون آمدند و اکابر ملاعین که با سرها بودند به پیش یزید بردند. او احوال پرسید، ملاعین گفتند به دولت امیر دمار از خاندان ابوتراب برآوردیم و حال ها باز گفتند و در این شصت و شش روز که ایشان در دست کافران بودند هیچ بشری بر ایشان سلام کردن نتوانست. در آن میان پیری شامی بیامد و روی به امام زین العابدین علیه السلام کرد و گفت: شکر خدا را که شما را بکشت... و هم گفته که روایت آمد ام کلثوم خواهر امام حسین (ع) در دمشق متوفی شد و... [۱۵] .

تذکری در این باره

به مناسبت بحث از این مقتل یعنی کتاب «کامل بهایی» عمادالدین طبری که البته قسمتی از آن مقتل و راجع به وقایع کربلاست، خواستم ارزش کتاب و مختصری از محتوای جالب آن را از قلم محدث خبیر و کارشناس بزرگ فن، مرحوم حاج شیخ عباس قمی بیاورم تا هم باعث شناخت بیشتر آن کتاب باشد، و هم خوانندگان بر آن مطالب آگاهی یابند.برای اطلاع بیشتر باید به خود کتاب مراجعه کرد.کتاب «کامل بهایی» در بیست و چند سال پیش برای دومین بار در تهران دو جلد در یک جلد طبع حروفی شد، ولی این چاپ هم چندان مطلوب نیست و بجاست که یکی یا چند نفر از اهل فن آن را مورد بازنگری قرار داده و آن را با نسخه های خطی مقابله و تصحیح نمایند.محدث قمی در پایان این مطالب و شرح

حال مؤلف می نویسد: «و الله العالم»، زیرا این مطالب فقط در این کتاب دیده شده است. البته مؤلف کتاب، کتابهایی از پیشینیان در اختیار داشته که امروز در دسترس نیست، و شاید هم این مطالب کاملا صحیح باشد. ظواهر امر هم آنها را تأیید می کند. بهتر است هنگام نقل بگوییم که نقل عمادالدین طبری دانشمند بزرگ در کتاب کامل بهایی».اسامی بعضی از نقاطی که اسرای اهل بیت را از آنجاها از عراق تا به شام بردند و در این نقل آمده است؛ امروز برای ما ناشناخته نیست، و بعضی هم گویا جابجا یا اشتباه شده باشد. مثلا شاید «بعلبک» اشتباه به «موصل» شده، «مرزین» هم شناخته نیست، و در «مرصد» ضبط نشده، اما «شبذیر» را «مراصد» در لفظ «شبداز» که به آن شبدیز هم می گویند «قصری بزرگ از بناهای متوکل در سامره دانسته که شاید قبلا- محلی در آنجا به این نام بوده است.استاد فقید علامه ی کتابشناس نامی شیخ آقا بزرگ تهرانی در ذریعه می نویسد: «کامل بهایی» کتابی به فارسی در امامت و شرح ماجرای بعد از رحلت پیغمبر است که در سقیفه ی بنی ساعده روی داد. به همین جهت کتاب «کامل سقیفه» هم موسوم است، تألیف شیخ عمادالدین حسن بن علی بن محمد بن علی طبری در نسخه چاپی نام جدش علی بن حسن تبدیل شده است. [۲۳] .از مؤلف «ریاض العلما» نقل می کند که گفته است نسخه ی کامل آن را در کاشان نزد کلانتر آنجا دیده است، و نسخه دیگری را در ضمن کتابهای ملاحسین اردبیلی رؤیت نموده، و هم نسخه ای از آن در نزد ملا ذوالفقار هست. نیز نسخه دیگری از آن نزد

میرزا اشرف بن میرزا حسیب هست». سپس علامه تهرانی می گوید: «میرزا اشرف صاحب کتاب «فضائل السادات» است که چاپ شده است. نسخه کامل بهایی که نزد او بوده همه ی آن کتاب بوده است. نسخه ی کتابخانه ی حضرت رضا علیه السلام که به شماره ۹۷۴ است با نسخه چاپ شده منطبق است، و همه نسخه ای در کتابخانه مجلس است به شماره ۲۰۷۷ که بدون تاریخ است و سابقه آن به قرن هشتم هجری بازمی گردد. آغاز و انجام این نسخه افتاده است. [۲۴] .علامه تهرانی دو صفحه بعد هم تحت عنوان «کامل السقیفه» از آن نام می برد و می نویسد همین است که مشهور به «کامل بهایی» است، و به نامهای دیگر هم مشهور است، همچون «لوامع السقیفه» که می آید، و «احوال السقیفه» که گذشت. [۲۵] .

کشف الغمه فی معرفه الائمه

این کتاب به زبان عربی و در دو جلد چاپ و منتشر شده است. مؤلف آن بهاءالدین علی بن عیسی اربیلی از مردم شهر اربل در نزدیکی موصل و شمال عراق، در یک خانواده کرد شیعه متولد شده است. او مردی دانشمند بوده و در بغداد اقامت داشته و در سال ۶۹۳ هجری از دنیا رفته است.اربلی کتاب کشف الغمه را در تاریخ چهارده معصوم تألیف کرده، و چون در زمان زوال دولت بنی عباس بوده و دیگر شیعه آن وحشت را از متعصبان نداشته است، لذا او در این کتاب بحث از امیرالمؤمنین علیه السلام را بیش از سایر ذوات مقدسه ی چهارده معصوم علیهم السلام نگاشته است؛ به این معنی که ۴۰۰ صفحه از جلد اول کتاب فقط درباره ی آن حضرت است به طوری که خود می گوید مقید بوده درباره ی هر کدام از چهارده معصوم

نخست روایات اهل تسنن را بیاورد و بعد روایات شیعه را تا استدلال به آن نزد مخالفان محکمتر باشد.در شرح حال حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و قیام آن حضرت و آمدن به کربلا و شهادت حضرت و یاران باوفایش بیشترین مطلب را از کتابهای اهل تسنن آورده است. زیرا سنیان اهمیتی به نقل شیعه در ماجرای شهادت خامس آل عبا نمی دادند، و او برای الزام خصم این کار را کرده است.به هر حال همان مقدار که او وقایع کربلا را نقل کرده کتابش در مقتل امام شهید جزو مآخذ است و علمای ما به آن استناد جسته اند.مقولات او درست و قابل قبول است و چیزی که نادرست باشد در آن نیست.

روضه الشهداء

روضه الشهداء به فارسی نوشته ملاحسین کاشفی سبزواری متوفی در حدود سال ۹۱۰ ه. ق مشتمل بر شرح احوال امام حسن و امام حسین علیهماالسلام و بعضی از فرزندان و دودمان آنهاست.ملاحسین کاشفی معاصر عبدالرحمن جامی، و پسر صفی الدین علی باجناق جامی بوده است. ملا- حسین اهل سبزوار بوده که همگی شیعه بوده اند، و جامی ساکن هرات بوده که همگی سنی بوده اند لذا جامی که در هر دو شهر آمد و رفت داشته و منبر می رفته، سعی داشته تقیه کند، به همین جهت روضه الشهداء او کاملا به سبک شیعه نوشته نشده و از کتب معتبر در مقتل به شمار نمی رود.بعضی را عقیده بر این است که «روضه خوان» از اسم همین کتاب او گرفته شده است؛ یعنی این کتاب را در منبر می خواندند و مردم می گفتند فلانی روضه خواند و به مرور ایام این لفظ به همه اهل منبر اطلاق شد.

عاشر بحار

جلد دهم بحارالانوار، علامه مجلسی، ر شرح احوال امام سوم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام است. این جلد به «عاشر بحار» معروف است. علامه مجلسی متوفای سال ۱۱۱۰ ه. ق. با استفاده از مآخذ پیش از خود این کتاب را مانند مجلدات دیگر بحارالانوار تألیف کرده، و در بخش مقتل حضرت و ماجرای کربلا- به تفصیل سخن گفته است.عاشر بحار همچون دیگر مجلدات آن کتاب مستطاب غث و سمین دارد، ولی جمعا از کتب مهم در مقتل آن امام مظلوم است.

جلاء العیون

جلاء العیون به فارسی تألیف دیگر علامه مجلسی در تاریخ چهارده معصوم است. آن عالم بزرگوار با نثری ساده آنچه را در تاریخ چهارده معصوم لازم می دانسته در این کتاب آورده، و در بخش وفیات آنها، مخصوصا شهادت امام حسین علیه السلام رویدادها را نقل کرده که خود از اسناد مهم مقاتل است.

نفس المهموم

«نفس المهموم» آخرین و بهترین و مشهورترین مقتل موجود شیعه تألیف محدث متتبع محقق حاج شیخ عباس قمی قدس سره است. محدث بزرگوار کتاب را در سال ۱۳۳۵ ه. ق. که در جوار حضرت ثامن الائمه حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می زیسته تألیف نموده و در پایان کتاب این را گفته است. کتاب تاکنون بارها چاپ و منتشر شده است.مرحوم حاج شیخ عباس قمی، که خدایم توفیق داده است شرح زندگانی درخشان او را در دو جلد بزرگ بنگارم و هم اکنون در شرف

چاپ است، بیش از ۸۰ جلـد کتاب در علوم و فنون اسـلامی از تاریـخ و حـدیث و حدیث شناسـی (درایه) و رجال و تراجم و ادب و اخلاق و کلام و ادعیه و زیارات و غیره تألیف و تصنیف نموده است.او به علاوه واعظ خلق و مواعظ منبرش کم نظیر و در نقـل احـادیث و مقتل ائمه اطهار بخصوص مقتل سالار شـهیدان حضـرت ابا عبـدالله الحسـین (ع) اسـتاد بلا منازع و سـرآمد کارشـناسان فن بوده است.محدث قمی با سابقه ممتدی که در مطالعه تمام منابع اسـلامی از شـیعه و سنی درباره ی حالات امام حسین (ع) و وقایع کربلا داشته و پس از سالها که منبر رفته و خاص و عام را در جریان حوادث جانسوز واقعه رستاخیز حسینی گذاشته

و با علم و اطلاعی که در این باره داشته، نفس المهموم را تألیف نموده است.نفس المهموم به زبان عربی و نثر شیوای محدث قمی است. او نخست در دیباچه مآخذ خود را در تدوین کتاب نام می برد و مؤلفان آنها را با القابی که شایسته آن بوده اند یاد می کند. آن مآخذ و مدارک که مورد توجه کارشناس بزرگ مقاتل و نقل وقایع کربلا- یعنی محدث قمی بوده است، به اجمال اینهاست:۱- ارشاد شیخ مفید۲- ملهوف یا لهوف سید بن طاووس۳- تاریخ طبری۴- تاریخ کامل ابن اثیر۵- مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی۶- مروج الذهب مسعودی۷- تذکره الخواص سبط ابن جوزی۸- مطالب السئول محمد بن طلحه شافعی۹- کشف الغمه ی علی بن عیسی اربلی۱۰- عقد الفرید ابن ابی عبد ربه اندلسی۱۱- احتجاج طبرسی۱۲- مناقب ابن شهر آشوب۱۳- روضه الواعظین فتال نیشابوری۱۴- مثیرالا-حزان ابن نما حلی۱۵- کامل بهایی عمادالدین طبری۱۶- روضه الصفای محمد خاوند شاه۱۷- تسلیه المجالس سید محمد بن ابوطالب مولوی حائریسپس می گوید: و جز اینها از مقاتل دیگر از مقتل سید محمد موسوی به توسط جلد دهم بحارالانوار،، و از مقتل کلبی به توسط تذکره ی سبط و تاریخ طبری، و از مقتل ابومخنف ازدی به توسط طبری نقل می کنم».تعجب است که محدث قمی «عاشر بحار» یعنی جلد دهم بحارالا-نوار علا-مه مجلسی را جزو مآخذ ذکر نکرده یا فراموش نموده است، زیرا بارها مطالبی را مستقلا بدون استناد به کتاب دیگری از آن نقل می کند و اصولا یک جلد بحارالانوار، به تنهایی درباره ی وقایع کربلا، خود مآخذ مهمی است.محدث قمی دیده است عمده ی مطالب راجع به وقایع کربلا در این کتابها از آثار علمای شیعه و سنی آمده است، پس چه

بهتر که آنها را اساس بحث خود در آن واقعه جانسوز قرار دهد. او مطالب معتبر آنها را در جاهای خود نقل کرده، و گاهی مورد نقض و ابرام قرار داده است. تسلط این محدث عالیقدر از مقاتل شهیدان کربلا و شناخت صحت و سقم روایات مربوط به خوبی از نفس المهموم پیداست.مرحوم حاج شیخ عباس در پایان ذکر مآخذ و تعبیر از صاحبان آنها می نویسد: «من از سید بن طاووس به «سید» و از ابن اثیر جوزی به «جوزی» و از محمد بن جریر طبری به «طبری» و از ابومخنف به «ازدی» تعبیر می کنم.علت اینکه از ابومخنف به ازدی تعبیر می کنم و نمی گویم «ابومخنف» این است که به اذهان تبادر نکند او همان ابومخنف است که مقتل وی در جلد دهم بحارالانوار چاپ شده است، زیرا در نزد من ثابت شده که این کتاب پیوست آخر جلد دهم بحار، مقتل ابومخنف معروف نیست، چون ابومخنف که لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف ازدی غامدی است شیخی از مورخان و ساکن کوفه و چهره ی درخشان آنها بوده، و آنچه را او نقل کرده مورد اطمینان است.او از امام جعفر صادق صلوات الله علیه، و پدرش از اصحاب امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام بوده است.ابومخنف دارای کتب بسیاری در تاریخ و سیره است. از جمله کتاب مقتل الحسین علیه السلام است که اعاظم علماء متقدمین از آن نقل کرده اند و به آن اعتماد نموده اند. هر کس به تاریخ طبری مراجعه کند خواهد دانست که بیشتر آنچه را او در مقتل امام حسین (ع)، بلکه همه ی آنها را از مقتل ابومخنف گرفته است.وقتی در این

مقتل - چاپ شـده - منسوب به او، و آنچه طبری از ابومخنف و دیگر مورخان نقل کرده انـد تأمل شود، و آنها را با هم مقابله کننـد معلوم می شود که این مقتـل نه از ابومخنف و نه از دیگر مورخـان مورد اعتمـاد است. بنابراین من اعتمادی بر آنچه فقط در این مقتل چاپ شده ی منسوب به ابومخنف است ندارم».محدث قمی سپس می نویسد من کتاب را بر مقدمه ای و ابوابی و خاتمه ای قرار دادم و آن را «نفس المهموم فی مصیبه سیدنا الحسین المظلوم» نامیدم.مقدمه کتاب درباره ی ولادت حضرت ابا عبدالله علیه السـلام است.ابواب کتاب نیز پنج باب و هر بابی هم مشـتمل بر چندین فصل است. خاتمه کتاب هم در شـرح حال توابین و قیـام مختـار و کشـتار قاتلاـن شـهدای کربلاست.محـدث قمی در این کتـاب از کتابهای مهم دیگری از شـیعه و سـنی مستقلا نام می برد یا به توسط مآخذ خود مطالبی را درباره ی شخصیت والای امام حسین علیه السلام و پدر و مادر بزرگوارش و شـهدای کربلاـ و پیامـدهای آن واقعه جـانسوز نقـل می کنـد، که گاهی به موجب ظاهر به واقعه کربلا ربطی نـدارد، مثلا از تهذیب الکلام تفتازانی، آثار الباقیه ی ابوریحان بیرونی، حیات الحیوان دمیری، کامل مبرد، بشاره المصطفی عمادالدین طبری، امالی شیخ صدوق و شیخ طوسی، موالید و وفیات ابن خشاب بغدادی، صواعق محرقه ی ابن حجر مکی، مصباح کفعمی، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، نور الابصار شبلنجی، تاریخ خمیس دیار بکری، خرایج راوندی، روضه الشهداء ملا حسین کاشفی، اخبار الطوال دینوری، اثبات الوصیه مسعودی، دعوات راوندی، رحله ی ابن بطوطه مراکشی، کافی ثقهالاسلام کلینی، دعائم الاسلام ابوحنیفه شیعی، محاسن برقی، تاریخ الاسلام ذهبی، تاریخ ابن

الوردی، خطط و آثار مقریزی، کامل الزیاره ابن قولویه قمی، عقود الجمان سیوطی، تاریخ الخلفاء سیوطی، امالی مفید نیشابوری، تقریب ابن حجر عسقلانی، مدینه المعاجز سید هاشم بحرانی، مزار محمد بن مشهدی، مزار شیخ مفید، مزار شهید اول، مصباح الزائر سید بن طاووس، مقتل شیخ فخرالدین طریحی، تنزیه الانبیاء سید مرتضی، غارات ثقفی، منهج المقال (رجال کبیر) استرآبادی، تعلیقه وحید بهبهانی، شیخ مفید، رجال کشی، قمقمام فرهاد میرزا، اسد الغابه ابن اثیر، جلاء العیون سید عبدالله شبر، معانی الاخبار شیخ صدوق، دره علامه بحرالعلوم، بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار، اعلام الوری طبرسی، تاریخ جنابذی، عمده الطالب ابن داوود حسنی، سر السلسله العلویه ی ابونصر بخاری، عثمانیه جاحظ، اخبار الدول قربانی، معالم الدین ابوطاهر محمد بن حسن برسی، مصباح المتهجد شیخ طوسی، اقبال سید بن طاووس، ینابیع الموده ی شیخ سلیمان حنفی، بتر المذات عبدالفتاح اصفهانی و سیره ی ابن هشام، آری از همه ی این کتابها که دسترسی به آنها هفتاد سال پیش مثل امروز میسر نبوده و اگر بوده با آن چاپهای نامطلوب بوده است، محدث قمی استفاده کرده و در هر مورد به مناسبت مطالبی از آنها را در مقتل خود «نفس المهموم» نقل کرده است، و از همین جا نیز میزان سعی و توان محدث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی را می توان حدس زد.این محدث بزرگوار در فصل دوم باب اول کتاب چهل حدیث معتبر را با سلسله ی سند درباره ی وقایع کربلا و فضائل و مناقب سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نقل می کند.حدیث اول را از اسنادش علامه متتبع نامی حاج میرزا حسین نوری تا ابراهیم بن هاشم قمی نخستین کسی که حدیث محدثین شیعه ی

کوفه را در قم منتشر ساخت، از ریان بن شبیب قمی روایت می کند که در آن حضرت امام رضا علیه السلام مطالبی ارزنده درباره ی واقعه شهادت حضرت سیدالشهدا به وی فرمود.به طور خلاصه محدث قمی چیزی را درباره ی وقایع کربلا در این مقتل خود باقی نگذاشته، و بر بسیاری مطالب انحرافی که در مقاتل غیرمعتبر هست و بر زبانها جاری است خط بطلان کشیده و مقتلی معتبر و مستند با اسنادی پرارزش برای جامعه شیعه امامیه باقی گذارده است که باید آن را یکی از بهترین و نفیس ترین آثار قلمی او دانست. آنچه از این کتاب نقل شود معتبر و مستند است. نفس المهموم نیاز به تجدید چاپ مرغوبی دارد، و آنچه تاکنون چاپ شده است هماهنگ باارزش کتاب نیست.دو ترجمه هم از کتاب شده است. یکی توسط علامه مرحوم حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، و دیگری به نام «در کربلا- چه گذشت، توسط مرحوم شیخ محمدباقر کمره ای هر دو ترجمه هم گویای مقاصد محدث قمی از این کتاب نیست. اگر ترجمه ساده تری بدون حشو و زوائد که در دو ترجمه قبلی هست از این کتاب بشود، جای آن خالی است، البته توسط نویسنده ای چیره دست و باسابقه نه از کسانی که عمق این اثر نفیس را درک نمی کنند و عرض کتاب را می برند و زحمت خود می دارند.

نفثه المصدور فیما یتجدد بحزن یوم العاشور

«نفثه المصدور» کتاب مختصری است که محدث فقید مرحوم حاج شیخ عباس قمی در مقتل نوشته و آن را پیوست نفس المهموم قرار داده است. کتاب دارای یازده فصل و خاتمه است، بدین گونه:فصل اول در پاره ای از مناقب امام حسین (ع)فصل دوم در شجاعت امام حسین (ع)فصل سوم در

مدح اصحاب امام حسین و شناخت بعضی از آنانفصل چهارم در پیوستن حر بن یزید ریاحی به امام حسین (ع)فصل پنجم درباره ی قصیده لامیه کمیت اسدی که در آن شش تن از دلاوران کربلا را که از بنی اسد بوده اند مدح کرده است.فصل ششم در تشنگی محمد بن حنفیه فرزند امیرالمؤمنین در جنگ صفین پس از حمله ی سهمناک به دشمن، و تشنگی حضرت علی اکبر در روز عاشورا پس از حمله به دشمن و معنی و علت آن تشنگیفصل هفتم در مواسات علی علیه السلام درایام محاصره در شعب ابوطالب نسبت به پیغمبر (ص) و مواسات حضرت عباس در روز عاشورا نسبت به برادرش حضرت ابا عبداللهفصل هشتم پیشگویی پیغمبر (ص) راجع به شهادت عمار یاسر، و حال علی علیه السلام پس از شهادت عمار و مقایسه آن با حال امام حسین بعد از شهادت حضرت ابوالفضل علیهماالسلام.فصل نهم برخورد پیغمبر با دختر حاتم طایی پس از اسارت، و اسارت زنان و دختران اهل بیت پس از واقعه کربلا.فصل دهم درباره ی حسن مثنی، تنها مجروح کربلا که جان به سلامت برد، و ازدواج با فاطمه دخترعمویش امام حسین (ع) و تخطئه سخن ابوالفرج اصفهانی در «مقاتل الطالبیین».فصل یازدهم راجع به مشهد سقط در کوه جوش مشرف به شهر حلب که کودکی سقط شده از امام حسین (ع) در آنجا مدفون است و مطالبی در این بارهخاتمه کتاب در پاره ای از نصایح کافیه و مواعظ شافیه که برای اهل منبر بسیار مفید و ضروری است.محدث بزرگوار پس از تألیف نفس المهموم چون پاره ای از مطالب را به یاد می آورد که به گونه ای با حضرت ابا عبدالله الحسین و حوادث کربلا

و مقتل آن حضرت مربوط است، و آن را در نفس المهموم نیاورده است، لذا آنها را در این کتاب آورده است. اطلاع از این مطالب ارزنده برای اهل منبر، بلکه اهل تحقیق درباره ی حوادث کربلا و نهضت حسین بسیار سودمند و ارزنده است.نقل این مطالب پرارزش سنجیده نیز چون از قلم محدث نامی مرحوم حاج شیخ عباس قمی است حتی بدون ذکر مأخذ اصلی کافی است، تا چه رسد که محققی کتاب را با تعیین مأخذ و ذکر و جلد و صفحات آن چاپ کند، و ترجمه ای سلیس هم از آن در اختیار فارسی زبانان بگذارند.

منتهی الآمال

کتاب «منتهی الآمال» محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی این مورخ خبیر و متتبع بصیر در تاریخ زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، یکی از بهترین آثار فکری و قلمی آن عالم جلیل است.مرحوم حاج شیخ عباس در سال ۱۳۵۰ ه ق که ۵۶ ساله بوده این کتاب از پس از تألیف و تصنیف حدود ۸۰ کتاب دیگرش، به فارسی در تاریخ چهارده معصوم نوشته است. منتهی الآمال پس از شصت و پنج سال هنوز هم از بهترین و جامعترین کتابهای تاریخ حیات چهارده معصوم است. آن مرحوم به مناسبت هر یک از معصومین علیهم السلام، از وفات و شهادت آنها نیز سخن گفته که اگر آن قسمت جداگانه چاپ شود، خود کتابی بسیار جالب در مقابل ذوات مقدس است.مقتل امام حسین علیه السلام که در این کتاب آمده است به قطع وزیری و خط نستعلیق طاهر خوشنویس تبریزی و چاپ اسلامیه ۱۲۳ صفحه است که در صورت طب حروفی کتابی در حدود ۳۰۰ صفحه و مقتلی مفصل و معتبر است. آنچه

از آن نقل شود مانند «نفس المهموم» معتبر و گزیده ی تحقیقات آن محدث مورخ محقق است. در حقیقت می توان گفت محدث قمی با آن مقاتلی که نوشته است بحث مهمی از وقایع کربلا و مقاتل ائمه اطهار را فروگذار ننموده است. مقاتلی که پس از این کتابهای محدث قمی تألیف شده، بیشتر روی نوشته ها و نقلهای او تکیه کرده اند چه نویسندگان آنها اظهار داشته باشند، و چه طبق معمول ارباب بی مروت دنیا یادآور نشده باشند.قسمت دوم مقاله درباره ی مقاتل اهل تسنن را در جزوه دوم خواهم آورد.

پاورقی

[۱] محمد بن سائب کلبی متوفی در سال ۲۰۶ ه. ق او را پدر تاریخ اسلام دانسته اند. حدود یکصد تألیف کرده است.

[۲] ابوالحسن علی بن محمد مدائنی بصری از مورخان بزرگ اقدام است. به سال ۲۲۵ در بغداد از دنیا رفت.

[۳] جلد دهم بحارالانوار علامه مجلسی چاپ سابق که ۲۵ جلد به قطع رحلی است.

[۴] هدیه الاحباب، شرح حال «ابومخنف» در چاپهای مختلف آن.

[۵] الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۱۵۵.

[۶] دس و دسیسه، کارهای ناروا، دوز و کلک.

[۷] تحفه الاحباب، چاپ اول، ص ۲۹۹.

[۸] الذریعه ج ۲۲، ص ۲۷.

[۹] روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۶۴. [

[۱۰] ورزیده.

[۱۱] اخوات: خواهران.

[۱۲] سیف و رمح یعنی شمشیر و نیزه.

[۱۳] هر بیتی - تا اختلاف - قطعهای کتاب که در زمان قدیم بیشتر قطع رحلی یا وزیری بوده ۵۰ حرف بوده است.

[۱۴] ۱۳۲۹ ه.ق.

[۱۵] عیوب و زشتیهای دشمنان اهل بیت.

[۱۶] معلوم می شود که «حاویه» را هم مانند کامل به فارسی نوشته است.

[۱۷] آیه ۸۱ از سوره قصص.

[۱۸] مرض جذام و خوره.

[۱۹] همسر امام حسن (ع) و دختر اشعث بن قیس.

[۲۰] زهار:

ناحیه زیر شکم.

[۲۱] نیزه.

[۲۲] جاریه آن یا کنیز.

[۲۳] فوائد الرضویه، ج ۱، ص ۱۱۲ تا ۱۱۶.

[۲۴] یعنی در چاپ اول نوشته است حسن بن علی بن محمد بن حسن طبری، و منظور از «جدش» یعنی جد دومش.

[۲۵] الذریعه، ج ۱۷، ص ۲۵۲.

[۲۶] همان جلد، ص ۲۵۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹